



هرکه حیات طیب در دنیا و آخرت می‌خواهد، باید کار صالح انجام دهد

آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود گفت: قرآن می‌فرماید هرکه حیات طیب در دنیا و حیات طیب‌تر در آخرت بخواند، باید کار صالح و شایسته مدام در زندگی او باشد.

آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود گفت: قرآن می‌فرماید هرکه حیات طیب در دنیا و حیات طیب‌تر در آخرت بخواند، باید کار صالح و شایسته مدام در زندگی او باشد.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن درس اخلاق اخیر آیت الله مظاهری برای علاقه‌مندان در پی می‌آید.

بحث ما در این چند هفته راجع به کار و تلاش و کوشش بود. یعنی مقدس‌ترین چیزها و همه چیز مربوط به آن. هر عزت و شوکتی و هر درجه‌ای در دنیا و آخرت مرهون کار و تلاش و کوشش است. به قول قرآن حیات طیب در دنیا و آخرت مرهون کار و تلاش و کوشش است:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» [۱] هرکه حیات طیب در دنیا و حیات طیب‌تر در آخرت بخواند، باید کار صالح و شایسته مدام در زندگی او باشد. این کار را منقسم کرده‌اند به پنج قسم: کار عبادی، کار فرهنگی، کار تولیدی، کار توزیعی و کار خدماتی.

راجع به کار عبادی صحبت کردم و دیدیم از نظر قرآن اگر کسی کار عبادی نداشته باشد، اگر کسی متقی نباشد، بیچاره و بدبخت است. نه تنها شخصیت فردی و شخصیت اجتماعی ندارد، بلکه زندگی او تباه است. به قول قرآن زندگی منهای تقوا، تاریک است. زندگی منهای تقوا، نظیر کسی است که ساختمانی لب درّه سیل‌زده بسازد. در این کار عبادی فی الجمله صحبت کردم و هرکه بخواند عاقبت به‌خیر باشد، باید متقی باشد.

راجع به کار فرهنگی نیز فی الجمله صحبت کردم. آن ملتی که سواد ندارد و فرهنگ ندارد، معلوم است باید در مقابل دیگران متواضع باشد. بدبخت‌ترین افراد و بدبخت‌ترین اجتماع، اجتماعی است که از نظر علمی احتیاج به دیگران داشته باشد. لذا همه باید کار و تلاش و کوشش کنند و از نظر علمی خودکفا باشند. هر ملتی که از نظر علمی خودکفا نشد، باید دیگران ذخائرش را ببلعد و این هم در مقابل استکبار و در مقابل ظالم متواضع باشد و زیر بار ظلم رود و بدترین بدبختی‌ها اینست که فردی یا اجتماعی نه تنها زیر بار ظلم رود، بلکه تواضع هم داشته باشد.

سوّم، کار تولیدی نظیر زراعت و صنعت است. ما اگر اقتصاد می‌خواهیم، باید اقتصادمان اقتصاد مقاومتی باشد و ملتی که اقتصاد مقاومتی نداشته باشد، اقتصاد او مریض است، بلکه اقتصاد ندارد و زیر دست است و باید از دیگران استفاده کند. در این باره هم فی الجمله صحبت کردم و دیدیم اگر ملتی بخواهد آقا باشد، باید از نظر تولید خودکفا باشد. چهارم، کار توزیعی است که هفته گذشته قول دادم که امشب درباره آن صحبت کنم.

مراد از کار و تلاش و کوشش توزیعی اینست که آن تولید را به طور شایسته تقسیم کند. مثل کاسب‌ها و تاجرها و بانک‌ها و مؤسسات عمومی اگر بدی در آنها نباشد و بالاخره کاسب و تاجر. حال گاهی کاسب جزء یا تاجر جزء است، اما گاهی تجارت و کسب عمومی و ملی و جهانی است. همه اینها باید باشد و ملتی که تجارت نداشته باشد، اگر تولید هم داشته باشد، تولیدش را دیگران می‌خورند و یا از بین می‌رود. چند روز قبل سایت‌ها خیلی اصرار داشتند در اینکه می‌خواهند سبب‌زمینی‌ها را امحاء و نابود کنند و آتش بزنند و زیر خاک کنند. معلوم است ملتی که تجارت سالم و کسب سالم نداشته باشد، به همین جاها می‌رسد.

این کار توزیعی که کار تولیدی متوقف بر آن است، این نیز متوقف بر کار تولیدی است و شرایطی دارد. اگر شرایطش باشد، معلوم است چشم‌روشنی برای دنیا و ملت و برای فرد خواهد شد. اصلاً کار تولیدی متوقف بر توزیع است.

شرط اولش اینست که این کسب و تجارت از خودش باشد و از دیگران نباشد. یعنی خودکفا باشد. اگر ملتی تجارت و کسبش از دیگران شد و به عبارت دیگر صادرات نداشت، بلکه همه چیز در زندگی او از واردات بود؛ خوراکش وارداتی بود، ماشین سواری او وارداتی بود و زندگی تجملی او وارداتی بود و بالاخره کسب و کار توزیعی او روی توزیع دشمن، یعنی روی واردات می‌گشت، معلوم است که این ملت سرفراز نخواهد شد. معلوم است این ملت به بدبختی‌ها گرفتار خواهد شد. البته این را نیز توجه کنیم که در کار تولیدی صحبت کردم و گفتیم ما از نظر تولیدمان باید خودکفا باشیم و احتیاج به دیگران نداشته باشیم. در وقتی

می‌توانیم خودکفا باشیم که مثلاً صنعت ما نمره اول باشد.

بعد از سی‌چهل سال هنوز ماشین‌های خارجی روی دست ماشین‌های داخلی را آورده است. مردم زیر بار صنعت ایران نمی‌روند و این خیلی ننگ و زشت است. کار محکم و سالم را ما باید بکنیم برای اینکه ما مثل پیغمبری داریم که روایت هست که پیغمبر اکرم (ص) به دست مبارکشان کسی را در قبر گذاشتند و معلوم می‌شود آدم خوبی بوده است. پیغمبر اکرم (ص) محکم‌کاری می‌کردند و لحد را خیلی محکم می‌ساختند. کسی گفت یا رسول الله! این چه فایده دارد، یک ساعت دیگر خراب می‌شود و بالاخره لحد فرو می‌ریزد و شما اینقدر محکم‌کاری می‌کنید؟! آقا یک جمله دارند و یک سرمشق برای همه ما و مخصوصاً جوان‌های ماست؛ فرمودند: «أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ» [۲] خدا دوست دارد کسی را که محکم کار باشد و کارش، روی دست دیگران باشد و بالاخره اینطور نباشد که صنعت دیگران بهتر از صنعت این باشد و این به صنعت دیگران احتیاج داشته باشد برای اینکه مرغوب‌تر و بهتر است.

ما در این سی‌چهل سال باید از نظر تولید در همه چیز خودکفا شده باشیم و هیچ احتیاجی به غربی‌ها و شرقی‌ها نداشته باشیم، اما مهم‌تر از این، ما باید در این سی‌چهل ساله جنس و کار و صنعتمان محکم‌تر و عالی‌تر و زیباتر از دنیا باشد؛ اما اینطور نیست و ننگ است. و خدا ما را دوست ندارد، برای اینکه محکم‌کار و زیباکار نیستیم و بالاخره کار تولیدی ما نقص دارد.

در توزیع نیز باید چنین باشد. اول چیزی که در توزیع هست، اینکه باید چیزی را که توزیع می‌کند زیبا و محکم و عالی باشد و اتفاقاً ما در این سی‌چهل ساله این نقص را داریم. اولاً نتوانسته‌ایم از نظر صنعت به جایی برسیم، به طوری که نه تنها هواپیما نداریم، بلکه قطعات یدکی هم نداریم. این ننگ است و گناهش بزرگ است، اما مهم‌تر اینکه آنچه را که ساخته‌ایم ناقص است. کار استکبار جهانی زیباتر و محکم‌تر و خواه ناخواه مشتری بیشتری دارد و خیلی وقت‌ها کار تولیدی ما روی دست ما می‌ماند. این خیلی مصیبت است. مصیبت فقط این نیست که کسی پدرش بمیرد و یا کسی فقیر باشد، یکی از مصائب بزرگ اینست که ملتی تولید نداشته باشد و احتیاج به دیگران داشته باشد در صنعت و زراعت؛ اما مشکل بالاتر از این، اینکه اگر صنعتی هم دارد، صنعت زیبا و عالی و محکم و مورد رغبت نباشد. لذا اول چیزی که در کار توزیعی هست، اینکه باید محکم و زیبا باشد. به طوری که دیگران به صنعت ما رغبت داشته باشند و اینکه صنعت ما صادرات داشته باشد.

این اولین شرطی است که در هرکاری هست و گفتم این جمله، جمله محکمی از پیغمبر بود که می‌خواستند لحد قبر درست کنند و خیلی محکم‌کاری می‌کردند. حال اگر ملتی بخواهد اتومبیل درست کند، ببینید که پیغمبر درباره‌اش چه می‌گوید! یا ملتی بخواهد صنعت تحویل جامعه دهد و تحویل ایران دهد، ببینید اهل بیت «سلام‌الله‌علیهم» درباره‌اش چه می‌گویند!

این شرط اول است و بد است که من بگویم که نداریم و ما محکم کار و زیباکار نیستیم. ما سر هم انداز هستیم و این سر هم اندازی به مسلمان نمی‌خورد و مسلمان سرهم انداز نیست. مسلمان آنست که باطنش بهتر از ظاهرش است و آن مسلمانی که ظاهرش بهتر از باطنش باشد، پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» فرمودند: «لَيْسَ مِتًّا»، این اصلاً مسلمان نیست. [۳]

شرط دوم در این کار توزیعی اینست که باید انصاف باشد. باید جنسی را که به دیگران می‌دهیم با انصاف این جنس را توزیع کنیم و آدم بی‌انصاف از نظر اهل بیت (ع) مسلمان واقعی نیست. اصلاً بازار باید تک‌نرخ باشد و روی این تک‌نرخ در اقتصاد دینی و اقتصاد روز خیلی سفارش شده است.

اقتصاددانان خیلی سفارش روی این انصاف دارند. به اندازه‌ای که پیغمبر اکرم (ص) می‌فرمایند: آقاي تاجر و آقاي کاسب! چیز بخر و چیز بفروش و هرگاه احتیاج شبانه‌روز تو تمام شد، هرچه خریدی به همان قدر بفروش و چیزی روی آن نگیر و هرچه خریدی به همان قدر بفروش. [۴] این اسلام است و این گفته پیغمبر اکرم (ص) است. یک نرخ در همه جا حکمفرما باشد. تک‌نرخ و انصاف باشد. درباره انصاف اگر خیلی بالا رویم اینست که لااقل یک دهم باشد، اما به قول عوام بیر بیر هم خیلی کم است (یعنی این سود را سود حساب نمی‌کنند) و این خیلی مصیبت است. روایتی داریم و روایت را می‌خوانم و ببینید که به راستی باید برای این کارها و وضعمان گریه کنیم یا نه!

امام صادق (ع) یکی از افراد امین را خواستند و خدمت حضرت آمد. این فرد غلامی بوده که امام صادق (ع) او را آزاد کرده است. امام صادق (ع) فرمودند: من از نظر اقتصادی در مضیقه هستم، لذا تصمیم گرفته‌ام مضاربه کنم. پول از من و کار از تو و هرچه درآمد داشت، تقسیم می‌کنیم.

می‌گوید: امام صادق (ع) هزار درهم به من دادند. آن وقت‌ها پول کیسه‌ای بود و این شخص می‌گوید یک کیسه هزار درهم به من دادند که من مضاربه کنم. من جنسی را خریدم و با قافله از مدینه به سمت شام حرکت کردم. می‌گوید نرسیده به شام قافله تجار از شام برمی‌گشت. از آنها پرسیدیم این جنسی که ما داریم در شام کساد است یا نه؟ گفتند: بازار گرم است. می‌گوید: ما

تصمیم گرفتیم الان که جنس مان داغ است، دو برابر بفروشیم. می‌گوید به شام آمدم و دیدیم که خوب می‌خرند و من جنس را دوبار بفروختم و هزار درهم، دو هزار درهم شد و خیلی خوشحال شدم که توانستم خدمتی به امام صادق(ع) کنم و هزار درهم ایشان را دوهزار درهم کردم. آدم خدمت امام صادق و خودم چیزی برداشتم و کیسه‌ها را در مقابل امام صادق(ع) گذاشتم.

امام صادق(ع) تعجب کردند و نگاه خیره‌ای به پول‌ها کردند و پرسیدند اینها کجا بوده است؟ قضیه را گفتم که بازار گرم بود و توانستیم دوبار بفروشیم و هزار درهم از شماست و آن هزار درهم استفاده هم از شما باشد. آقا امام صادق هزار درهم خودشان را برداشتند و هزار درهم را در مقابل من گذاشتند و فرمودند: این پول‌ها به درد ما نمی‌خورد. بالاخره امام صادق پول را قبول نکردند و مضارب را فسخ کردند و پولشان را برداشتند و آنچه او استفاده کرده بود به او دادند. امام صادق(ع) جمله‌ای دارند و جمله خیلی تکان‌دهنده است. امام صادق(ع) فرمودند:

«مُجَالِدَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَتَالِ» [۵]

با دشمن شمشیربازی کنی یا پول حلال به دست آوری، آن شمشیر بازی آسان‌تر از به دست آوردن پول حلال است. بالاخره امام صادق(ع) پول را قبول نکردند و گفتند این کاسبی نشد.

الان اقتصاد ما مریض است و یکی از عللش اینست که نه تنها تک‌نرخ نداریم و یک دهم سود نداریم، بلکه بعضی اوقات کار می‌رسد به اینجا که با رباخواری و سود و امثال اینها، خانه مردم را با سه چهار میلیون جمع می‌کنیم. خیلی وقت‌ها آمده‌اند پیش من و گفته‌اند خانم را بانک به هفت هشت میلیون جمع کرده است. خانه چندین میلیون قیمت داشته و چون این نتوانسته است سود و ربا را بدهد، خانه جمع شده است.

چند روز قبل خانمی پیش من آمد و گفت یک شلوار بچه‌گانه هفته گذشته برای بچه‌ام به شش هزار تومان خریده‌ام و الان برای دیگری به سیزده هزار تومان خریدم. هر مغازه یک نرخ دارد و هرکس به هرچه بتواند می‌فروشد و این نمی‌شود. باید هرکسی هرچه می‌تواند استفاده کم بگیرد. این مسلمانی و قانون مواسات است.

هرچه کمتر باشد، خوشحال‌تر باشد. اگر توزیع روی بی‌انصافی رفت، اول مصیبتش اینست که این پول برکت ندارد و این عاقبت به‌خیر نمی‌شود. زحمت‌ها می‌کشد برای جمع کردن برای اولاد و ناگهان ورشکسته می‌شود یا بدتر از ورشکسته شدن، پولش به دست ورثه می‌افتد و ورثه کشت و کشتار می‌کنند برای تقسیم ارث و بعد اصل ارث نابود می‌شود. می‌گویند پول عاقبت به‌خیر نشد. در روایات داریم چیزی که موجب ورشکستگی می‌شود و چیزی که موجب می‌شود عاقبت انسان به‌خیر نشود، بی‌انصافی است. البته بی‌انصافی، در اقتصاد هست و در غیراقتصاد هم هست. بی‌انصافی راجع به اینکه آنچه او می‌داند، می‌خواهد در جامعه حکمفرما شود. انصاف و عدالت در حرف زدن و کار کردن هم هست و آن بحث دیگریست که الان مورد بحث ما نیست. این چیزها خیلی حرف دارد و اصلاً اقتصاد وابسته به همین حرف‌هاست.

سوم اینکه اگر می‌تواند نسبه دهد، حتماً نسبه دهد. البته به کسانی که بیچاره و درمانده و وامانده هستند و نه نسبه‌های امروزی. نسبه‌های امروز نسبه نیست، بلکه رباخواری و بازی است. تاجر و کاسب به راستی نسبه دهد. مثلاً کسی ندارد و درمانده است و این پول به عنوان قرض الحسنه به او دهد و بعد همان پول را پس بگیرد. این به اندازه‌ای اهمیت دارد که قرآن به‌خصوص درباره آن صحبت می‌کند و می‌فرماید: «فَنَظَرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ» [۶]

نسبه بده و این نسبه دادن تو یک نحو قرض الحسنه است و اگر ندارد، به او مهلت بده تا هروقت که می‌تواند بدهد. این هم به اندازه‌ای اهمیت دارد که در روایات داریم اگر کسی به دیگری کمک کند، خیلی ثواب دارد. کمک به مسلمان‌ها از حج و عمره و از هر جهاد و از هر کربلایی بالاتر است. هر ثوابی را که شما حساب کنید، در مقابلش خدمت به خلق خدا و کمک به مستضعفین و کمک به درماندگان، ثوابش بیشتر است؛ پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» می‌فرماید: قرض الحسنه دادن یعنی هجده برابر کمک کرده است. [۷] انسان بتواند قرض الحسنه بدهد یعنی همان پولی که داده، پس بگیرد، ولو از نظر قدرت خرید هم خیلی تفاوت می‌کند.

معلوم است اگر کسی یک میلیون بدهد و یک سال دیگر یک میلیون بگیرد، از نظر قدرت خرید تفاوت می‌کند و این ثواب‌ها به خاطر همین قدرت خرید است و بالاخره قرض الحسنه خیلی ثواب دارد. کمک کردن به درمانده و محتاج و این باید باشد. اتفاقاً بانک‌ها این کار را ندارند و کارکرد و تأخیر سود روی سود و امثال اینها را دارند. بازار بدتر از بانک‌ها و بانک‌ها بدتر از بازار شده و اینها مصیبت بزرگی در توزیع و کار توزیعی شده است. گرچه در روایات داریم که «الکاسب حبيب الله»، ولی با این حال، ناگهان با این اوضاع موجب می‌شود که گران‌فروشی‌ها و تورم‌ها و رکودها باشد و همه این تورم‌ها و رکودها و همه این تنزل پول‌ها گسترده شود.

این تنزل پول را سبک نشمارید. من یادم هست که در اول نظام ما دلار هفت تومان بود و ریال سعودی‌ها سه تومان بود. یک وقتی می‌خواستند یک بازار آشفته در مدینه درست کنند و من یادم نمی‌رود که خیلی عصبانی شدم و اینطرف و آنطرف زدم که ریال که نمی‌شود گران شود. گران شدن دلار، یعنی بدبختی که ما الان این بدبختی را داریم. خیلی عجیب است و هفت تومان الان شده چندین هزار تومان. اینها از کجا سرچشمه گرفته است؟ به اسلام عمل نمی‌کنیم و وقتی به اسلام عزیز عمل نکردیم، خودمان بدي داریم و آتش را می‌افروزیم و خشک و تر می‌سوزند.

این کار توزیعی ما الان یک مصیبت بزرگی برای جامعه ما شده است. اقتصاد ما حسابی مریض است برای اینکه کار توزیعی ما مریض است و اگر ما مملکت می‌خواهیم و آقایی و سرافرازی می‌خواهیم و اگر می‌خواهیم حرف اول را در دنیا بزنیم، باید اقتصادمان را سالم کنیم. اگر اقتصاد سالم نشود، نمی‌توانیم حرفمان را در دنیا بزنیم. این تحریم‌ها چه مصیبت بزرگی شده و چه حربه عجیبی برای استکبار شده است و از اینجا سرچشمه می‌گیرد که اقتصاد توزیعی ما مریض است، لذا کار به اینجا رسیده که دلار دست دشمن ما یعنی امریکا و صهیونیسم است و ناگهان هزار تومان روی دلار رفت و این کار را امریکا کرد و البته ایادی او هم سعودی‌ها و قارون‌های خلیج فارس است.

ما مسلمان‌ها ذخیره داریم و اقتصادمان باید خیلی بالا باشد. ریال ما باید هزار تومان باشد، اما کار توزیعی ما خراب است و به اسلام عزیز عمل نمی‌کنیم و انصاف نداریم و در خرید و فروشمان رباخواری داریم.

می‌خواستم درباره ربا صحبت کنم، اما نشد؛ این مصیبتی که قرآن می‌گوید نابودت می‌کند: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ» [۸]

آنچه آبادت می‌کند توزیع خدماتی و آنچه نابودت می‌کند رباخواری و ربا دادن است.

این قضیه اربعین، قضیه مقدسی است و توده‌هایی محکمی به دشمن و مخصوصاً صهیونیست‌هاست و می‌دانیم که امسال جمعیت بیشتر خواهد شد؛ اما دعا و پشتوانه می‌خواهد. ان شاء الله زیارتشان قبول و به سلامت برگردند. این دعا می‌خواهد و مخصوصاً امسال. لذا از همه تقاضا دارم این دعا بدرقه اینها باشد تا ان شاء الله برگردند. و ذکر مصیبت امشب من هم برای قبولی زیارتشان و هم برای استجابت دعاهايشان و هم برای اینکه بتواند حسابی توده‌هایی به صهیونیست و امثال صهیونیست بزنند و افتخاری در مقابل ننگ سعودیها و قضیه منا درست شود و همه به سلامت برگردند.

پانوشتها؛

[۱]. النحل، ۹۷: «هر کس، از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.»

[۲]. هداية الأمة، ج ۶، ص ۲۹۸.

[۳]. مسند احمد، ج ۲، ص ۲۴۲؛ نیز ر. ک: الکافی، ج ۵، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

[۴]. الکافی، ج ۵، ص ۱۵۴.

[۵]. تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۱۳.

[۶]. البقرة، ۲۸۰: «پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او دهید].»

[۷]. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۹۵.

[۸]. بقره، ۲۷۶: «خداوند ربا را نابود می‌کند و بر صدقات می‌افزاید.»